

نگته بازی

می‌خواهیم باور کنیم، نمی‌توانیم



بعد از اخراج ناشیانه لاندرو پیرا در بازی ۶ امتیازی با سپاهان که منجر به شکست دردناک پرسپولیس شد، انتقادات از این مهاجم برزیلی به‌شدت بالا گرفت. پیرا از زمان پیوستن به پرسپولیس موفق نشده بود برای این تیم گل بزند، اما کمتر کسی انتظار داشت او به‌عنوان فروارد در همان نیمه اول بازی سپاهان اخراج شود و کار دست تیمش بدهد. حالا اما پیرا مصاحبه کرده و گفته: «به هواداران قول می‌دهم این اتفاق را جبران کنم و برای تیم گل‌های خوبی بزنم.» خب البته ما دوست داریم اظهارات پیرا را در این مورد باور کنیم، اما نمی‌دانیم چرا نمی‌شود. این دوست عزیز در مسابقات قبلی هم نشان چندانی از یک گلزن نداشت. او ۲ فصل آخر حضورش در گامبا اوزاکا هم طی ۴۷ بازی ۹ گل زده است.

باباشما که او را کشتید...



محمد دانشگر آنقدر اصرار به تخلف کرد که نهایتاً کمیته انضباطی وارد عمل شد و احتمالاً برخلاف میل باطنی‌اش این بازیکن را جریمه کرد. مجازات دانشگر هم به‌خاطر حرکت نامتعارف در دیدار سپاهان و آلومینیوم جالب است: ۲ جلسه محرومیت که یک جلسه آن تعلیق شده و جلسه دیگر هم قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی است. در این مدت انتقادات زیادی از رفتارهای دانشگر شده بود، اما هیچ‌کس انتظار نداشت فدراسیون فوتبال این اندازه خشن (!) رفتار کند. آقا شما که او را کشتید، یک مقدار شل‌تر برخورد می‌کردید. با این مدل برخورد با بعد به‌نظر می‌رسد بازیکنان متقاعد شوند که از حرکات شنیع دست بردارند. فدراسیون پیش از این باید به‌خاطر اتفاقات بازی پرسپولیس دانشگر را محروم می‌کرد که نکرد. الان هم انگار مجبور شده‌اند!

آمار بازی

متربکا

۳۲م استقلال و سپاهان بیشترین نماینده را در تیم منتخب هفته بیست‌وسوم متربکا داشتند. سپاهان این هفته بازی بزرگ فصول را از

پرسپولیس برد و استقلال هم در زمین فولاد به پیروزی رسید تا به رتبه دوم برسد. هر دوی این تیم‌ها ۳ نماینده در تیم منتخب هفته داشتند اما بهترین بازیکن هفته از تیم گل‌گهر انتخاب شد. از سپاهان، گلزن این تیم یعنی محمد کریمی به همراه میلاد زکی‌پور و نیلسون جونیور به تیم منتخب هفته رسیدند. کریمی با نمره ۷٫۹۶ بهترین بازیکن میدان بود اما نیلسون با نمره ۷٫۳۵ به تیم منتخب رسید که کمترین نمره در بین ۱۱ بازیکن منتخب هفته بود. از استقلال هم مهدی قائدی، محمد محبی و کوین یامگا به جمع منتخبین هفته رسیدند که بالاترین نمره را قائدی (۷٫۹۵) داشت.

اما برترین بازیکن هفته بیست‌وسوم رضا شکاری بود که در بازی گل‌گهر با نفت مسجدسلیمان یک گل زد، ۲ پاس گل داد و ۳ پاس کلیدی هم برای

هم‌تیمی‌ها صادر کرد. او به نمره ۹٫۳۹ رسید که از بالاترین نمرات ثبت‌شده در این فصل بوده است. از تیم گل‌گهر نوید عاشوری هم در تیم منتخب هفته قرار گرفت که نمراتش در بازی با نفت مسجدسلیمان ۸٫۸۴ بود و دومین بازیکن برتر هفته شد. سومین بازیکن موفق این هفته احمد شریعت‌زاده از نفت آبادان بود که سرمربی برزیلی نفت اعتقادی به او نداشت اما ویسی در نخستین حضورش ۵۹٫۵۹ به او بازی داد و شریعت‌زاده هم گل زد و نمره ۸۰٫۰۵ را گرفت. رامتین سلیمان‌زاده (مس رفسنجان) و آرمان شهدادزاد (مس کرمان) دیگر بازیکنان تیم منتخب هفته بودند.

پیش‌بازی

شام آخر در سیرجان!

مسابقه با نفت مسجدسلیمان نه آخرین بازی قلعه‌نویی روی نیمکت گل‌گهر بود و نه حتی آخرین مسابقه او در سیرجان به حساب می‌آمد. او امروز برای آخرین بار روی نیمکت این تیم می‌نشیند و ستاره‌های گل‌گهر را در مسابقه حساس جام‌حذفی با فولاد به زمین می‌فرستد؛ مسابقه‌ای که قرار بود مدتی قبل بر گزار شود اما به‌خاطر حضور فولاد در لیگ قهرمانان به تعویق افتاد. این نبردها نبردی برای وداع ژنرال با هواداران تیمش خواهد بود. او اصلاً دوست ندارد با شکست و حذف از جام‌حذفی این تیم را ترک کند؛ اتفاقی که می‌تواند خیلی زود به وجه‌اش در تیم ملی نیز آسیب برساند. حریف امروز امیر، تیم زخم‌خورده فولاد است؛ تیمی که با هدایت علی منصوریان در بازی با استقلال در لیگ برتر شکست خورده و اگر نتواند به مرحله بعدی جام‌حذفی برسد، این فصل را هم بدون جام تمام خواهد کرد. در این شرایط احتمال دارد که زمزمه‌های تغییر روی نیمکت این تیم نیز به گوش برسد. در نتیجه هر دو مربی، انگیزه‌های بسیار زیادی برای این بازی دارند؛ جدایی که به‌نظر می‌رسد با استقبال بسیار خوب سیرجانی‌ها نیز روبه‌رو خواهد شد. تنها مسابقه این فصل ۳۲م در لیگ برتر، در اهواز با پیروزی گل‌گهر به پایان رسید. آن نمایش، یکی از بهترین نمایش‌های فصل تیم قلعه‌نویی بود و حالا آنها امیدوار به تکرار چنین نبردی روبه‌روی حریف سرخ‌شده جنوبی‌شان هستند. فولاد ۲ سال قبل با هدایت نگونام روی سکوی اول جام‌حذفی قرار گرفت اما گل‌گهر تا به امروز هرگز طعم موفقیت در این تورنمنت را نچشیده است.

از قلعه تا قلعه!

بررسی عملکرد مربیان تیم ملی از اولین حضور قلعه‌نویی روی نیمکت تا انتخاب دوباره او

از زمانی که امیر قلعه‌نویی برای نخستین بار سرمربی تیم ملی شد تا امروز، این تیم ۶ سرمربی مختلف داشته است؛ ۳ سرمربی ایرانی و ۳ سرمربی خارجی. مربیان ایرانی در تیم ملی موفق ظاهر نشدند و البته هیچ‌وقت فرصت کافی را هم نداشتند، این در حالی بود که یکی از مربیان خارجی بیش از یک دهه در فوتبال ایران حضور داشت. حالا دوباره زمان تغییر از راه رسیده و آنتن‌ها به طرف مربی بومی چرخیده است. باید صبر کرد و دید که این انتخاب، چه نتیجه‌ای برای فوتبال ایران خواهد داشت.

شود. البته رابطه بد با چند ستاره تیم هم مزید بر علت بود. قطبی در ۳۰ مسابقه، ۱۶ برد کسب کرد اما به شکل عجیبی ۸ بار نیز بازنده شد. یکی از این باخت‌ها در بازی دوستانه مقابل تیم ملی برزیل بود.

برگشت امیر قلعه‌نویی با سابقه قهرمان کردن استقلال در لیگ برتر و در شرایطی که گردن کلفت‌ترین مربی داخلی لیگ بود، به تیم ملی پیوست. او فقط یک ماموریت داشت؛ درخشیدن در جام‌ملت‌ها. امیر یک نیمکت بسیار شلوغ برای تیم ملی ساخت. کلمه‌هایی مثل خردجمعی را باب کرد، علی‌دایی را از تیمش کنار گذاشت و سلیقه خودش را در این تیم حاکم کرد. اما دوران حضور این مربی بعد از ۱۷ بازی به پایان رسید. باخت به کره جنوبی در یک چهارم نهایی جام‌ملت‌های آسیا، پایان مردی بود که در ۱۷ بازی یک شکست در جریان بازی مقابل مکزیک و یک باخت در پانتلی‌ها روبه‌روی کره جنوبی داشت. حذف ایران وقتی سخت‌تر شد که عراقی‌ها با ترکیبی کم‌ستاره‌تر از تیم قلعه‌نویی بر بام فوتبال آسیا ایستادند.

شاید علی‌دایی هنوز هم با آن سماجت مثال‌زدنی، برکناری‌اش را به سیاست مربوط بداند اما نتایجی که او در انتخابی جام‌جهانی گرفت، جایی برای دفاع باقی نگذاشت. دایی در حالی سرمربی تیم ملی شد که ماجرای عجیب کلمنته و پله برقی در فوتبال ایران اتفاق افتاده بود. در آن مقطع تقریباً همه مربی خارجی می‌خواستند اما دایی به پشتوانه سال‌ها حضور در تیم ملی و البته قهرمان کردن سایپا به‌عنوان مربی-بازیکن، به نیمکت دست یافت. او با خیلی از ستاره‌های تیم ملی مشکل داشت و تصمیم گرفته بود چهره متفاوتی برای تیم بسازد. نتیجه این تغییر در بدترین زمان ممکن، دور و دورتر شدن از جام‌جهانی بود. شکست خانگی روبه‌روی عربستان و تماشای رقص شمشیر بازیکنان حرف‌یافت، تحمل هواداران تیم ملی را از بین برد. تیم دایی در ۴۴ بازی، ۱۵ برد داشت و در صد پیروزی‌اش حتی بیشتر از بردهای قلعه‌نویی بود اما نتایج افشاح در مقدماتی جام‌جهانی، همه‌چیز را تحت تأثیر قرار داد و امیدهای این مربی برای ماندن در تیم ملی را از بین برد.

پس از دایی، مایلی‌کهن رسماً سرمربی تیم ملی ایران شد. مایلی اما آن چند روز آنقدر را همه دعوا کرد که فدراسیون تصمیم گرفت قید این مربی را بزند و افشین قطبی را به‌جای او روی نیمکت تیم ملی بنشانند. ۲۳ بازی از مسیر مقدماتی جام‌جهانی مانده بود و ایران باید روبه‌روی کره شمالی، امارات و کره جنوبی بازی می‌کرد. قطبی از این جهت انتخاب شد که به گفته خودش به‌خاطر کار کردن در کره جنوبی، این تیم را مثل کف دست می‌شناخت. با قطبی، کره شمالی را شکست ندادیم، به سختی امارات را بردیم و به بازی سرنوشت‌ساز آخر رسیدیم. به پیروزی مقابل کره نیاز داشتیم تا حداقل به پلی‌آف برویم اما گل تساوی را دریافت کردیم. کره مدتی بعد در جام‌ملت‌های ۲۰۱۱ دوباره قطبی را شکست داد و ایران را در نخستین بازی حذفی از جام خارج کرد تا دلایل انتخاب او به‌عنوان سرمربی تیم ملی، رسماً به‌پناه برکناری‌اش تبدیل

هر چقدر دوران ویلموتس تلخ بود، دوران اسکوچیچ شیرین شد. اسکو در ۱۸ بازی روی نیمکت تیم ملی ۱۵ برد به‌دست آورد. هرگز سابقه نداشته که یک مربی با حداقل ۱۰ بازی روی نیمکت تیم ملی ایران به برد ۸۳ درصدی دست پیدا کند. او در سخت‌ترین شرایط به کمک تیم ملی آمد و مقتدرانه‌ترین صعود را رقم زد. مشکل اسکو این بود که اقتدار کافی را در رختکن نداشت؛ ماجرای رکه با دخالت مستقیم چند بازیکن، دلیل جدایی‌اش از این تیم شد.

کی‌روش آخرین «خارجی» کره زمین بود؟

یک پرسش از آزاردهنده در مورد نیمکت تیم ملی وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ آیا کارلوس کی‌روش آخرین سرمربی خارجی روی کره زمین بود؟ یعنی حالا که او نتوانسته با تیم ملی به نتایج دلخواه و مطلوب دست پیدا کند، به‌طور مستقیم باید وارد فاز تغییر ملیت سرمربی می‌شدیم؟ طبیعتاً افکار عمومی از نتایج ضعیف تیم ملی در جام‌جهانی و نیز رفتار و کردار کارلوس کی‌روش راضی نبود. حتی گروهی از سرسخت‌ترین حامیان مربی پرتغالی هم بازگشت او روی این نیمکت را کار درستی نمی‌دانستند. این یک انتخاب غلط و یک شکست کامل بود، با این حال، معنی‌اش هرگز آن نیست که دیگر هیچ مربی خارجی خوبی در دنیا برای هدایت تیم ملی باقی نمانده و باید به گزینه‌های داخلی اکتفا کنیم. حتماً هنوز هم مربیانی وجود داشتند که می‌توانستند با شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ایران کنار بیایند و به تیم ملی کمک کنند.

صنفی یا ملی؟

در مورد موج حمایت‌ها از امیر قلعه‌نویی که بوی تند دوگانه مربیان «ایرانی-خارجی» را به‌خودش گرفته است

نموده‌اند. این وضع چنان است که مثلاً در زمان حضور برانکو ایوانکوویچ و کارلوس کی‌روش روی نیمکت تیم ملی، کانون مربیان ایران بارها علیه این دو نفر موضع گرفت و مجید جلالی، دبیر این کانون در این رابطه به روسای دولت وقت نامه نوشت! بنابراین وقتی امروز می‌بینیم همه این آقایان در حال تمجید و حمایت از قلعه‌نویی هستند، طبیعی است که یاد همان اتفاقات می‌افتیم و موانع دوستان را ناشی از «ملیت» مربیان می‌بینیم. نه «ثقیفیت» آنها. جوی که امروز و در پی گسترده و چه‌بسا کم‌نظیر مربیان ایرانی از امیر هستیم، خیل مصاحبه‌ها چنان است که واقعا در شماره نمی‌گنجد؛ از خداداد عزیزی و رسول کریم‌کندی بگیرد تا امثال مرتضی کرمانی‌مقدم و حمید مطهری که خاستگاه پرسپولیس دارند و شاید به‌نظر می‌رسد از این قصه راضی نباشند. همه آنها اما در یک کلام قلعه‌نویی را بهترین گزینه برای هدایت تیم ملی می‌دانند. این موج در حالی شکل گرفته که قلعه‌نویی طی سال‌های گذشته به‌هیچ‌وجه نتایج خوبی به‌دست نیاورده است. صفر جام در یک دهه، احتمالاً چیزی نبود که باشگاه‌های ثروتمند قلعه‌نویی در این سال‌ها، این مربی را به‌خاطرش جذب کرده باشند. پس پرسش اینجاست که این همه پشتیبانی را چه منطقی صورت می‌گیرد؟ جواب نباید چندان سخت باشد؛ گویا ما با موانع کاملاً صنفی مواجه هستیم تا رویکرد ملی!

قاعدتاً امیر قلعه‌نویی امروز از این فضا خوشحال است و لذت می‌برد، اما هر تمجید این روزها، در آینده‌ای نزدیک تبدیل به بار توقعی‌گراف خواهد شد. حالا امیر باید برای حامیش جنگنده؛ کسانی که انتظار دارند او با نتایج خوش، نیمکت تیم ملی را برای ایرانیان حفظ کند. اگر قلعه‌نویی نتایج لازم را کسب نکند، این فواره به سر به زمین خواهد خورد و بدلی از حامیان کنونی‌اش به منتقدان سرسخت او تبدیل می‌شوند. در آن صورت افکار عمومی همچنان موضعی خواهد گرفت که شاید باز هم تابیش از یک دهه بعد از آن نوبت به ایرانی‌ها نرسد.

تکیه بر جای چشم‌آبی‌ها

بزرگ‌ترین منتقد مربیان خارجی، حالا یک فرصت تاریخی دارد این روزها را نگاه نکنید؛ سال‌ها قبل، زمانی که امیر قلعه‌نویی نتایج خوبی در فوتبال ایران به‌دست می‌آورد و مخصوصاً با استقلال عناوین قهرمانی را به چنگ می‌آورد، بارها از او در مذمت مربیان خارجی و نیز هواداران این جماعت جملات آتشین نقل شده است. کلیدواژه محبوب امیر در آن روزها، استفاده از عبارت «اجنبی‌پرست» بود و هر که را به حمایت از مربی خارجی می‌پرداخت، با چنین تعبیری مورد سرزنش قرار می‌داد. قلعه‌نویی اعتقاد داشت به اندازه کافی و هسان با دستاوردهایش مورد توجه و تکریم قرار نمی‌گیرد. بارها گفت اگر موهایش بور یا چشم‌هایش رنگی بود، به‌خاطر چنین نتایجی مجسمه‌اش را در فوتبال ایران می‌ساختند، هر چند بعدها یکی مثل برانکو ایوانکوویچ در پرسپولیس نتایج بسیار بهتری به‌دست آورد، اما باز هم مجسمه او را نساختند؛ در هر صورت امیر قلعه‌نویی امروز به جایگاهی رسیده که همیشه دوستش داشت؛ نیمکتی که برای ۱۳ سال در تصرف چشم‌آبی‌ها، موهورها و اجنبی‌ها بود. او باید شایستگی خودش را در عمل نشان بدهد. وقتی دفعه قبلی از هدایت تیم ملی کناره‌رفت، مدعی شد در حقیق ظلم شده و فرصت کافی را در اختیارش قرار ندادند، اما این بار دیگر چنین بهانه‌هایی پذیرفتنی نخواهد بود...